روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir
چهارشنبه • ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ • ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۳ فوریه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۳۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۳
اذان صبح فردا ۵:۳۶ • طلوع آفتاب ۷:۰۲

fardashargh@gmail.com
روزنامه فردا

نورنوشت

به‌مناسبت روز ملی تالاب چندین قلاده پرنده شکاری در کنار سد خجیر رهای‌سازی شدند. عکس: سمیرا شریعتمداری، باشگاه خبرنگاران جوان

واکنش

سایه آقای معاون

سهام‌الدین بورقانی
روزنامه‌نگار

در کواکبِ آسمان هم یکی می‌شود ستاره رخشان، الباقی سوسو می‌زنند

کمال‌الملک، علی حاتمی

سایه‌ها گاه بزرگ و گاه کوچک می‌شوند. نور بیاید و خوب که بتابد، بسته به شدت و زاویه‌ای که دارد، سایه‌ای دلچسب فراهم می‌کند و در پناهش خیلی‌ها می‌آسایند. برخی شاید حتی ندانند که در حال بهره‌بردن از مواهب چنین سایه‌ای هستند، اما خشنودند. بعضی دیگر می‌دانند و حظّش را می‌برند و مشکور الطافش هستند؛ اما عده‌ای هم اگرچه همه‌چیز را درمی‌یابند و می‌دانند که زیر چه خوش سایه‌ای آرمیده‌اند، ولی بر در و دیوار می‌کوبند که از زیر سایه درآیند. گرچه ایرادی هم ندارد، مشکل آنجاست که می‌دانند چراغ حقیقت در دست چه کسی بوده و چگونه در شب ناباوری برافروخته‌اش گردانیده؛ اما گویی نمی‌توانند یا نمی‌خواهند از سیاهی بن‌بست‌ها بگذرند. قلب‌های‌شان روشن نیست و چون نوری در دل ندارند، مدام رنگ عوض کرده‌اند و بنا به اقتضائات کواکب سپهر سیاست به تفسیر حقیقت پرداخته‌اند. این روایت، حکایت همین روزهاست؛ همین روزهای عطاالله مهاجرانی، وزیر پیشین «ارشاد» که از دو دهه پیش تاکنون -بنا بر همان اقتضائات معهود- هر بار موضعی متفاوت گرفته تا شاید ارج و اجر یابد. «احمد بورقانی» که درگذشت، برایش نوشت: «در عرصه سیاست؛ تک‌ستاره‌هایی هستند که مصلحت‌اندیش نیستند. احمد در دورانی که معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد بود و نیز دوره‌ای که نماینده مجلس ششم بود، بر سر پیمان خود پایدار ماند». حالا پس از سال‌ها و بعد از چرخش‌های فراوان از رادیکالیسم می‌گوید؛ اینکه با طرح اصلاح قانون مطبوعات مخالف بوده، بورقانی با او هماهنگ نبوده، فرمان هدایت مطبوعات رادیکال در دست وزارت ارشاد نبوده و از این قبیل. تاریخ البته کاری به این دست خیال‌بافی‌ها و ذهن‌پروری‌ها ندارد، روایتش را می‌کند و در روایتگری‌اش صادق است. مستندات تاریخی همین دوره و حمایت او از اصلاح قانون مطبوعات هم موجود است و آقای وزیر اسبق که از قضا در رشته تاریخ هم تحصیل کرده، نمی‌تواند اظهارنظرهایش را انکار کند. اینها را هم او می‌داند، هم ما. اصل قصه را هم می‌داند، ما هم می‌دانیم. بخشی از ماجرا جنگ سایه‌هاست. وزیری که در سایه‌سار معاونی باشد که از قبل با برنامه‌ای منسجم و ذهنی روشن پا به میدانی گذاشته که سال‌ها سابقه کار در آن را دارد و در نهایت هم کارنامه‌ای از خود به‌جا می‌گذارد که به اعتقاد بسیاری آثارش تا امروز هم هویداست، شاید چندان خوشایند نباشد؛ به‌ویژه برای کسی که به تسلط خود بر سیاست و امر سیاسی متبختر است. از این نبرد اگر فارغ شویم، تنها یک علت برای فاصله‌گذاری آقای مهاجرانی از مواضع پیشین و حمله با آنها باقی می‌مانَد: تلاش برای بازگشت دوباره به عرصه سیاسی کشور. اگرچه دراین‌باره هم، هم‌قطاران ایشان به‌قدر کافی اظهارنظر و تحلیل کرده‌اند. اگر با معیار او به ماجرا نگاه کنیم، فهم آن سهل‌تر است: «احمد بورقانی از تبار حقیقت بود که در برهه‌ای از عمر دچار چنبره سیاست شد و شدیم. بی‌پرده باید گفت، سیاست نسبتی با حقیقت ندارد». تفاوت او و بورقانی در همین نسبت است. یکی حاضر است آن را به مسلخ ببرد و دیگری همه کار را با همان حقیقت به پیش می‌برد. واقعیت آن است که در مجموع، انتشار چنین نظراتی بسیار مبارک است و به آگاهی‌بخشی و شفافیت بیشتر یاری می‌رساند. از قضا بعد از توییت اخیر مهاجرانی بود که حتی برخی از آنهایی که دستی بر آتش داشته‌اند، نوشتند که اندک ارج و قربی هم که او داشت، از بین رفت؛ زیرا مشخص شد بهار مطبوعات، ازجمله سیاست‌های مهاجرانی نبوده است و بنابراین چه انتظاری می‌توان از آنهایی داشت که متعلق به نسل دیگرند؟ به فال نیک باید گرفت که این سخن اخیر، سبب خیر شد و بیش‌ازپیش زمینه‌ای فراهم کرد تا در میان گردوغبار ناشی از تغییر مسیرهای متعدد و انداختن پرده‌ها، به واقعیت پرداخت. وگرنه زمان چندانی نگذشته است که بتوان به این راحتی پرده بر واقعیت انداخت. «توسعه مطبوعات آزاد و مستقل» را و آنچه درنهایت «بهار مطبوعات» خوانده شد، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان حاصل کار مهاجرانی دانست. حتی اگر در دوره‌ای او تلاش کرده این دستاورد را مصادره کند، اما تاریخ، گواه صادق آنچه که بر این سرزمین رفته، است. شاید جالب باشد بدانید که احمد بورقانی پیش از آنکه سیدمحمد خاتمی پیروز انتخابات شود، برای توسعه مطبوعات برنامه مدون و راهبردی داشت؛ مسئله‌ای که مهاجرانی فکرش را هم نمی‌کرد. به باور بورقانی، مطبوعات نقشی مهم در توسعه سیاسی و جامعه مدنی داشتند و با فضای ایجادشده پس از دوم خرداد زمینه برای قانونمندکردن آنها مهیا شده بود. وقتی پیشنهاد معاونت مطبوعاتی به او داده شد، با گروهی از دوستان خوش‌فکر و همکاران مجرب آستین بالا زد تا به مقصود نزدیک شود. او تمام تلاش خودش را کرد تا مطبوعات از دولت مستقل شوند و بتوانند به تیراژ بالاتر دست پیدا کنند و در فضای بی‌اعتمادی به رسانه‌های گروهی رسمی، حرفی برای گفتن داشته باشند. در روز انتخابات دوم خرداد که همراه او بودم و با هم به چند حوزه انتخاباتی در پایین شهر سر زدیم، جوانان زیادی را دیدیم که برای اولین بار احساس کرده بودند در میان نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری، کسی هم گوشه چشمی به آنها دارد و با انگیزه و علاقه در صف ایستاده بودند. می‌گفت همین‌ها را اگر رها نکنیم و فردا دست هرکدام‌شان روزنامه و مجله و کتابی بدهیم، فرهنگ عمومی جامعه را یک پله بالاتر برده‌ایم، آگاهی و آگاهی‌بخشی را تبدیل به حق کرده‌ایم و فکرکردن به منافع جمعی را به جای تأملات فردی جا انداخته‌ایم. چالش‌ها بین معاون و وزیر دقیقا از نقطه‌ای آغاز شد که مهاجرانی زمین بازی را بزرگ‌تر دید و نظری به آینده سیاسی‌اش داشت و نمی‌خواست با لایه‌های مختلف قدرت دربیفتد. از سوی دیگر در مواجهه با بورقانی، برنامه راهبردی و گروه مشورتی‌اش غافلگیر شده بود. آقای وزیر همان‌طور که خودش هم نوشته، به حقیقت کاری نداشت. بورقانی درست برخلاف او به مصلحت نمی‌اندیشید. می‌خواست کارش را با قانون پیش ببرد و اگر نقصی بود، اصلاحش کند و عاقبت، طرفی هم اگر نمی‌توانست ببندد، کنار برود. تلاش‌های سترگ او و دیگر همکارانش برای اصلاح قانون مطبوعات در مجلس ششم در همین راستا بود. احمد بورقانی برای استقلال و اعتلای مطبوعات و روزنامه‌نگاران از هیچ کوششی فروگذار نکرد و تا آخرین لحظه عمر کوتاه و پربرکتش در هر سمت و جایگاهی که قرار داشت، در همین اندیشه بود. بله، آقای مهاجرانی؛ او احمد لایَنصرِف بود که بر سر عهدش ایستاد. عمیقا به اصلاحات معتقد بود؛ حتی اگر برخی از اصلاح‌طلبان آن را جدی نمی‌گرفتند. روزنامه‌نگار و مدیری خیرخواه بود که حتی پس از دوران مسئولیتش در وزارت فرهنگ و مجلس در قامت نهاد ظاهر شد و مشورت داد و یاری رساند و قدر دید و بر تخت حشمت نشست.

حق‌بان

سرباز در شطرنج قانون

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

چهارم بهمن خبری در رسانه‌ها پیچید که یک نماینده مجلس (علی‌اصغر عنابستانی) هنگام عبور از خط ویژه با ممانعت مأمور راهنمایی‌ورانندگی (سرباز وظیفه عابد اکبری) مواجه شده و نماینده پس از درگیری لفظی با سیلی به گوش مأمور می‌زند. البته عنابستانی منکر سیلی‌زدن شد و ادعا کرد سرباز به او توهین کرده است. در فیلمی که از صحنه حادثه منتشر شده، نه صحنه دقیق قابل مشاهده است و نه می‌توان به مجادله لفظی بین طرفین پی برد. درنتیجه ناچاریم موضوع را با فرض درست‌بودن ادعای هریک از طرفین جداگانه بررسی کنیم. متأسفانه اظهارنظر موسی غضنفرآبادی (سخنگوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان) مبنی‌بر اینکه رسیدگی به رفتار عنابستانی اولویت ما نیست، بی‌اعتنایی و بی‌احترامی به افکار عمومی است.

نخست، روایت سرباز: اگر نماینده مجلس به گوش سرباز سیلی زده باشد، قابل تعقیب کیفری است. طبق اصل ۸۶ قانون اساسی، نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملا آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که داده‌اند، تعقیب یا توقیف کرد؛ اما همان‌طور که از مفاد اصل برمی‌آید، این مصونیت منوط به وجود دو شرط «اظهارنظر» و «در مقام نمایندگی‌بودن» است که در این ماجرا مصداق ندارد. این اصل ریشه در قانون اساسی مشروطیت دارد که برای نمایندگان مصونیتی وسیع قائل بود، اصل ۱۲ قانون اساسی مشروطیت بیان می‌کرد: «به هیچ عنوان و به هیچ دستاویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. اگر احیانا یکی از اعضا علنا مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره او به استحضار مجلس باشد». درحال‌حاضر تعقیب کیفری نمایندگان نیاز به کسب اجازه از مجلس ندارد. در این فرض جرم نماینده عنوان «تمرد نسبت‌به مأمورین دولت» داشته و مطابق ماده ۶۰۷ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، کیفری معادل سه ماه تا یک سال حبس دارد. همچنین با توجه به ماده ۳۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری که رسیدگی به اتهامات نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در صلاحیت دادگاه کیفری تهران می‌داند، مرجع صالح با توجه به میزان مجازات جرم، دادگاه کیفری ۲ شهر تهران است. در راستای نظارت درون‌سازمانی (یا انتظامی) بر رفتار نمایندگان، مجلس در ۱۵ فروردین ۱۳۹۱ «قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان» را از تصویب گذراند. مطابق این قانون، هیئتی هفت‌نفره منتخب مجلس، بر رفتار نمایندگان نظارت دارد. صلاحیت این هیئت در خصوص گزارش‌های سوءاستفاده مالی، رفتار خلاف شئون نمایندگی، اعمال مجرمانه از بعد انتظامی و غیبت و بی‌نظمی در مجلس است که در صورت اثبات، به مجازات‌هایی از تذکر شفاهی بدون درج در پرونده تا اعلام تخلف نماینده در جلسه علنی توسط رئیس مجلس محکوم خواهند شد. نکته مهم اینکه طبق تبصره ۴ ماده ۲ این قانون، تعقیب کیفری نماینده، مانع رسیدگی هیئت به تخلفات موضوع این قانون و شئون نمایندگی نیست.

دوم، روایت نماینده مجلس: اگر سرباز به نماینده مجلس توهین لفظی یا نوع دیگری بی‌احترامی کرده باشد، او نیز قابل تعقیب کیفری است. طبق ماده ۶۰۹ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، هرکس با توجه به سمت به یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درحال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید، به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا از ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. درواقع قاضی مختار است یکی از این سه مجازات را برای مرتکب جرم تعیین نمایند. تا پیش از تصویب «قانون کاهش حبس تعزیری» در اردیبهشت‌ماه امسال، جرم توهین به مقامات، جرم عمومی محسوب می‌شد و بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی، متهم ازسوی دادستان مورد تعقیب قرار می‌گرفت. اما با تصویب این قانون و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۰۹ در زمره جرائم قابل گذشت تلقی شده و تعقیب کیفری سرباز، نیازمند شکایت نماینده مجلس است. هرچند مأمور راهنمایی‌ورانندگی ملبس به لباس نظامی بوده و زیرمجموعه نیروی انتظامی محسوب می‌شود؛ با این حال نظر به اینکه ماده ۱ قانون «مجازات جرائم نیروهای مسلح» (۱۳۸۲) صلاحیت دادگاه‌های نظامی را محدود به جرائم «خاص نظامی و انتظامی» می‌داند و جرم توهین به مقامات، جرمی عمومی به حساب می‌آید، موضوع خارج از صلاحیت سازمان قضائی نیروهای مسلح بوده و در دادگاه کیفری ۲ شهر تهران قابل رسیدگی است. اما درهرحال ورود بدون مجوز نماینده مجلس به خط ویژه خلاف مقررات است.

تحلیل

مردم ناراضی حامی ناوالنی شدند*

دکتر بهرام امیراحمدیان
کارشناس مسائل روسیه

***بخش اول این تحلیل را درباره جایگاه روسیه که منجر به حمایت مردم از ناوالنی شده، دیروز در همین صفحه خواندیم. امروز ادامه آن را پی می‌گیریم.**

از نظر مقامات روس پیمان شانگهای به‌مثابه «ناتوی شرق» دیده می‌شود؛ اما چین با توجه به حجم بالای مبادلات اقتصادی با آمریکا و اروپا وارد این بازی نشده است. چین درصدد رویارویی با ایالات متحده آمریکا نیست؛ حتی در تنگه تایوان و دریای چین جنوبی، نمی‌خواهد با نیروی نظامی آمریکا رویارویی نظامی داشته باشد. درحالی‌که روسیه برعکس چین قصد رویارویی با ایالات متحده را دارد. با توجه به تمام مسائل منطقه‌ای و جهانی، انباشت سرمایه در اختیار قشر خاصی در دایره حاکمیت و وابستگان آن (آن‌طور که مخالفان اعلام می‌کنند) و شکاف درآمدی بین طبقات و فاصله زیاد طبقاتی در داخل روسیه، نارضایتی‌هایی ایجاد شده است. هزینه‌هایی که قرار بود صرف رفاه مردم و سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیرساختی در مناطق کمتر برخوردار بخش آسیایی و مناطق دوردست حتی در شرق روسیه شود و آن هم در مناطقی که بودجه‌های عمرانی کمی دارند و مردم در رنج هستند، کاملا نادیده گرفته شده‌اند. ازاین‌رو است که تظاهراتی حتی در سیبری در هوای سرد و یخ‌بندان به وقوع پیوسته است. در همین چند روز گذشته حجم عظیمی از مردم در نقاط مختلف به بهانه هواداری از ناوالنی در تجمعات شرکت کرده و در روز پایانی ژانویه ۲۰۲۱ بنا به گزارش یورونیوز، بیش از چهار هزار نفر دستگیر و بازداشت شده‌اند. این نارضایتی‌ها حتی پیش‌تر و قبل از ماجرای ناوالنی هم در شرق دور با تغییر فرماندار منتخب مردم و جایگزینی با فرماندار مورد تأیید دایره اطرافیان پوتین، به اعتراضاتی از سوی مردم منجر شد. از سوی دیگر با کاهش قیمت نفت و مبارزه روسیه با آمریکا در نفت شل که وارد بازار کرده بود، همه سبب شد تا روسیه توان مالی کمتری برای هزینه‌کرد در بخش عمومی داشته باشد. در بخش آسیایی، اورال و ولگا و قفقاز شمالی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های عمده وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد آقای پوتین درصدد است تنها در چند شهر بزرگ نظیر مسکو و سن‌پترزبورگ و ولگا گراد و نووسیبیرسک سرمایه‌گذاری کند. پس از اشغال شبه‌جزیره کریمه و تحریم‌های غرب از سال ۲۰۱۴، مردم روسیه در تنگناهای اقتصادی قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر بدنام‌شدن کشورشان به‌عنوان اشغالگر چه در جمهوری گرجستان که به جدایی‌طلبان کمک کرده است استان خودمختار اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار آبخازیا در ترکیب جمهوری گرجستان در کنار دریای سیاه، ازسوی جدایی‌طلبان و کمک نظامی روسیه (بنا به ادعای دولت گرجستان) همچنین انجام اقدامات بدون رضایت شرکای دیگر گروه مینسک (ایالات متحده و فرانسه) در بحران قره‌باغ در قفقاز و اعلام آتش‌بس خارج از چارچوب گروه مینسک و شورای امنیت، استقرار نیروهای صلح روسی در منطقه قره‌باغ کوهستانی و حضور پرهزینه در بحران سوریه و ورود به صحنه خاورمیانه، ظرفیت‌های زیادی از بودجه‌های دولت روسیه را به ضرر جیب مردم، در خود صرف کرده است که در نهایت به نارضایتی عمومی منجر شده است. درحالی‌که مردم در گوشه و کنار کشور در سختی و کاهش اشتغال و درآمد و بی‌کاری ناشی از کووید ۱۹ به سر می‌برند و تلفات زیادی که به دنبال ناتوانی دولت در اداره امور به وقوع پیوسته، همه سبب نارضایتی مردم شده است و آنها به دنبال مستمسکی برای خیزش بودند. حالا این بهانه را الکسی ناوالنی به مردم داده است. مردم به این فکر هستند در روسیه‌ای که در دوره تزاری یا امپراتوری و اتحاد جماهیر شوروی، مشاهیر زیادی در عرصه‌های گوناگون به جهان معرفی کرده، چرا در دوره زمامداری پوتین با بحران هویت و شخصیت روبه‌رو شده و بحران جانشینی پدید آمده است که پوتین خود را ناجی ملت روس معرفی و از یک سیستم جمهوری، یک نظام توتالیتر و دیکتاتوری پدید آورده است. مردم می‌پرسند آیا همه‌چیز فقط سلاح‌های هسته‌ای و قدرت نظامی است؟ هیچ پیشرفتی در علم و تکنولوژی مگر برای تبلیغات رخ نمی‌دهد؟

این شرایط سبب شده تا مردم نارضایتی خود را با حمایت از ناوالنی عیان کنند؛ به‌ویژه با مسمومیتی که برایش پیش آمد، آشکارا موجب حمایت غرب و دیگر کشورها از او شد؛ به‌طوری‌که جو بایدن، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، دولت روسیه را به سبب بازداشت ناوالنی مورد انتقاد تند قرار داده و همراه با اتحادیه اروپا خواهان آزادی بلافصل و بی‌قیدوشرط او شده‌اند. حتی آلمان که روابط بسیار نزدیکی با روسیه دارد و در کنار دیگر کشورهای اروپای غربی ۴۰ درصد از گاز مصرفی خود را از روسیه تأمین و به‌نوعی اهرمی در دست روسیه است، اعتراض خود را درباره رویکرد روسیه با مخالفان اعلام کرده‌اند. اگرچه به نظر مخالفان، سانسور مطبوعات و نبود انتخابات آزاد و رسانه‌های تحت کنترل دولت نیز از دیگر موضوعات اعتراضات است. ناوالنی بهانه‌ای شده است برای بیان این شرایط مردم که او نه ناجی روسیه است، نه به‌دنبال این است که پست و مقامی به دست بیاورد. همه کسانی که به خیابان‌ها و راهپیمایی‌ها آمده‌اند، طرفدار ناوالنی نیستند. نابسامانی‌هایی که در کشورشان وجود دارد؛ ازجمله تمدید دوره‌های ریاست‌جمهوری پوتین تا پایان عمر، بحران جانشینی، بی‌کاری و... سبب سختی‌ها و مشقات زندگی مردم شده است. مردمی که همیشه خود را سرآمد در فرهنگ و هنر و علوم می‌دیدند، اکنون جایگاه شایسته‌ای را دنبال می‌کنند که باید داشته باشند و از سوی دیگر در شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی نیز به سر می‌برند. خود روس‌ها می‌دانند که در نظام بین‌الملل رفتار دولت‌شان مورد انتقاد و اعتراض قرار گرفته است. اکنون دولت‌شان حتی نمی‌تواند یک مخالف خود را تحمل کند و نیروهای امنیتی همواره درصدد خفه‌کردن و سرپوش‌گذاشتن بر این اعتراض‌ها برآمده است؛ هرچند این بار هنوز موفق نشده است. این بار الکسی ناوالنی با شجاعت و شهامت به میدان آمده است؛ هرچند ممکن است غرب نیز حامی او باشد؛ اما وابسته به غرب نیست. این بهانه‌ای است که سیاست‌گذاران کنونی روس بر آن تأکید می‌کنند. دراین‌میان نکته‌ای هم که خیلی مردم را آزار داده است، سخنان آقای پوتین بود که با خنده گفت: «ما به‌راحتی می‌توانیم مخالفان خود را حذف کنیم؛ ولی نخواستیم این کار را بکنیم». چندبار هم پیش از آقای ناوالنی موارد ترور و مسمومیت بوده است؛ هرچند مدارک کافی برای متهم‌کردن دولت نیست؛ اما این شبهه‌ها وجود دارد که دولت مخالفان خود را با روش‌های این‌چنینی یا ترور شیمیایی از میدان به‌در می‌کند. این روزها مردم در گوشه و کنار روسیه حتی «خاباروفسک» در سیبری جایی با ۵۰ درجه زیر صفر و یخ‌بندان، مردم به خیابان‌ها آمده و اعتراض خود را آشکار کردند. این جریانات نه با آقای ناوالنی آغاز شده و نه پایان می‌گیرد و تا وقتی که تغییرات عمده در روسیه رخ ندهد- آقای پوتین از نامزدی دوباره انصراف دهد یا جانشینی برای خود انتخاب کند- ادامه خواهد داشت. بیشتر مردم روسیه اکنون این مطالبه را دارند که چرا باید آنان تاوان خواسته‌های مورد علاقه ریاست‌جمهوری را بپردازند. بنا به ادعای مخالفان در انتخابات دومای دولتی نیز تقلب‌هایی انجام شده است و در رفراندم تغییرات قانون اساسی هم همین‌طور. همه با مشکلاتی روبه‌رو بوده است و مورد تأیید مردم قرار نگرفته است. اکنون آقای ناوالنی پرچم‌دار تمام این خواسته‌ها، اعتراضات و مخالفت‌های مردمی است؛ هرچند کسانی مانند خانم الکسی یونا برنده نوبل ۲۰۱۵ بارها در کتاب‌هایی به نام «زمان دست دوم» و «زمزمه چرنوبیل» درباره مسائل روسیه مطالبی را به‌صورت رمان منتشر کرده است؛ ولی درباره مسائل روسیه مقالات و کتاب‌های زیادی منتشر شده است. بنا به ادعای مخالفان در روسیه کنونی هم مطبوعات و رسانه‌ها و تلویزیون به‌شدت زیر نظر دولت است و فضای سیاسی ملتهب است. روسیه مسیر طولانی از استبداد به جامعه مدنی را طی کرده است؛ اما هنوز نتوانسته به جامعه مدنی برسد و در نهایت آقای پوتین باید تصمیم بگیرد در جلوی این جریان نایستد، انعطاف نشان دهد و آزادی‌هایی برای مردم قائل شود.

پیشخوان

نگاه آفتاب

شماره دوم فصلنامه «نگاه آفتاب» ویژه زمستان ۹۹ با خوشنویسی اختصاصی استاد غلامحسین امیرخانی روی جلد منتشر شد.

این شماره گفت‌وگویی ویژه با استاد غلامحسین امیرخانی دارد که در آن، این هنرمند شاخص دیدگاه خود در حوزه عرفان و مولانا و پیوند خوشنویسی ایرانی با آن را مطرح کرده است. در بخش حکمت، موضوع تنهایی به‌عنوان دغدغه‌ای بشری و جهانی از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته و آموزه‌های مولانا در باب تنهایی به تفصیل بررسی شده است. مصطفی ملکیان، امیرعباس علی‌زمانی، تقی آزاد ارمکی، سیداحمد جلیلی، غلامحسین معتمدی، مهدیه کسایی‌زاده، سیدماجد غروی، باقر طالبی دارابی، مهدی میناخانی، محمد قنبری، کیمیا هادی‌زاده و محمود دهقانی نویسندگان بخش حکمت در شماره دوم نگاه آفتاب هستند. بخش هفت اقلیم به ظرفیت‌های موسیقایی شعر مولانا نگاهی ویژه دارد. در این بخش علیرضا میرعلی‌نقی، کیخسرو پورناظری، هوشنگ جاوید و بهزاد عبدی از نسبت مولانا با موسیقی اصیل ایرانی گفته‌اند. همچنین به‌مناسبت درگذشت استاد محمدرضا شجریان به کارنامه او و انتخاب‌هایش از اشعار مولانا نگاهی ویژه شده و مجدالدین کیوانی، شاهرخ تویسرکانی، سیدابوالحسن مختاباد و نورالدین میرفخرایی در باب شجریان قلم زده‌اند. در بخش سنجه تأملی بازاندیشانه در نسبت عرفان و دین به قلم اردشیر منصوری منتشر شده است. محمدجواد غلامرضاکاشی از شکاف پرنشدنی میان عرفان و جهان مدرن گفته و شهرام صحرایی مقاله‌ای درباره عرفای نجف و ملای روم به رشته تحریر درآورده است. این بخش همچنین شامل گفت‌وگو با محمدعلی همایون‌کاتوزیان درباره نظام اخلاقی سعدی و با مهدی نصیری درباره نسبت نص‌گرایان با میراث عرفان است. در بخش نقد حال نیز هادی خانیکی، عبدالجبار کاکایی، محمد طلوعی و عبدالجواد موسوی از نسبت خود با مولانا گفته‌اند. در بخش قفسه یادکردی شده است از کتاب‌های «خمی از شراب ربانی» تألیف استاد محمدعلی موحد به قلم حسین مختاری، «طغیان خاموش مولانا و شمس (به انگلیسی)» تألیف مصطفی وزیری به قلم علیرضا رضایت و «تصوف و طریقت‌ها در عصر عثمانی (به ترکی)» تألیف مصطفی کارا به قلم داود وفایی. همچنین به‌بهانه انتشار کتاب «هنر، خیال و زیبایی» گفت‌وگویی شده است با مریم جعفری، نویسنده کتاب. طبق روال شماره پیشین، ترجمه خلاصه مجله به سه زبان انگلیسی، ترکی و عربی از دیگر بخش‌های این مجله است. صاحب امتیاز فصلنامه نگاه آفتاب مؤسسه سروش مولانا و مدیرمسئول آن مریم موسوی است. شماره دوم نگاه آفتاب را می‌توان به قیمت ۷۰ هزار تومان از وب‌سایت نگاه آفتاب یا کتاب‌فروشی‌ها و کیوسک‌های معتبر تهیه کرد.